



الدَّرْسُ السَّابِعُ



النِّسَاء: ٩٧

﴿... أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ...﴾

ميلاد عیوضی سرگروه عربی اردبیل



برای ورود به هر یک از کانال ها روی کادر آن کلیک نمایید



کانال «عربی متوسطه عیوضی» در روبیکا ← Arabi_eyvazi



کانال «عربی متوسطه عیوضی» در تلگرام ← Arabi_eyvazi



کانال مخصوص دبیران عربی در ایتا ← Arabi_eyvazi



الدَّرْسُ السَّابِعُ

الْمُعْجَم: واژه‌نامه (۲۱ کلمه جدید)

عندما = لَمَّا	عِنْدَمَا	وقتی که	جمع مکسر	آباء	پدران «مفرد: أَب»	پدر
طائرة: هواپیما	جنگل	غَابَة	تباه کردن	إِضَاعَة	هان، آگاه باش	جمع مکسر
آهوها «مفرد: غَزَال»	غَزْلَان	فرح	آورد می‌آورد	جَلَبَ يَجْلِبُ	هیزم	الا: مگر، بجز
شادی	فَرَح	فرح # الحزن	هیزم	حَطَب	کبوتر	جمع مکسر
فرح = سرور	فَرَح	جوجه «جمع: فِرَاح» جوجه ها	کبوتر	حَمَامَة	نیازها «مفرد: حَاجَة»	جمع مکسر
همان طور که	گَمَا	کی؟	گرگ ها «مفرد: ذَنْب»	ذَنَاب	چهارم	جمع مکسر
مَتَى؟	نَصْر	یاری	چهارم	الرَّابِع، الرَّابِعَة	خندید می‌خندد	عدد ترتیبی
مَاضِي مضارع	هَجَمَ يَهْجُمُ	حمله کرد حمله می‌کند	خندید می‌خندد	مَاضِي مضارع	پرنده	طَائِر
يَأْسَ يَيْئَسُ	مَاضِي مضارع	ناامید شد ناامید می‌شود	پرنده	طَائِر		

﴿... أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ...﴾

زمین خدا پهناور است



كَانَتْ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الْغَزَلَانِ فِي غَابَةِ بَيْنَ

الجبالِ وَّ النَّهَارِ. Arabi_eyvazi

گروهی از آهوها در جنگلی میان کوه ها و رودها بودند



فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ هَجَمَتْ خَمْسَةُ ذئابٍ

عَلَى الْغَزَلَانِ.

و ...

در روزی از روزها پنج گرگ به آهوها حمله کردند

و ...



الْغَزَالُ الْأَوَّلُ: إلهي، ماذا نَفْعَلُ؟

آهوی اول خدایا، چه کار کنیم؟

الْغَزَالُ الثَّانِي: لَا نَقْدِرُ عَلَى الدِّفَاعِ.

آهوی دوم قادر به دفاع کردن نمی باشیم (نمی‌توانیم دفاع کنیم)

قَالَتْ غَزَالَةٌ صَغِيرَةٌ فِي نَفْسِهَا:

آهوی کوچکی با خودش گفت:

«مَا هُوَ الْحَلُّ؟ عَلَى بِالتَّفَكُّرِ. سَأَنْجِجُ».

راه حل چیست؟ باید فکر کنم. موفق خواهم شد

الْغَزَالَةُ الصَّغِيرَةُ شَاهَدَتْ عَصْفُورًا؛ فَسَأَلَتْهُ:

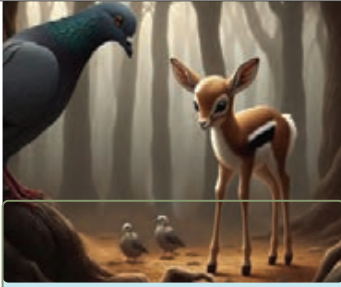
آهوی کوچکی گنجشکی را دید پس از او پرسید:

«هَلْ خَلْفَ تِلْكَ الْجِبَالِ عَالَمٌ آخَرُ؟»

آیا پشت آن کوه ها دنیای دیگری است؟

أَجَابَ الْعَصْفُورُ: «لَا».

گنجشک جواب داد: نه



الْغَزَالَةُ الصَّغِيرَةُ مَا بَيَّسَتْ فَشَاهَدَتْ

آهوی کوچک نیا امید نشد پس دید

حَمَامَةً وَ سَالَتْهَا: Arabi_eyvazi

کبوتری را و از او پرسید

«يَا أُمَّ الْفَرَحَيْنِ،

ای مادر جوچه ها (دوجوجه)

هَلْ وَرَاءَ تِلْكَ الْجِبَالِ عَالَمٌ غَيْرُ عَالَمِنَا؟»

آیا پشت آن کوه ها دنیای دیگری بغیر از دنیای ما است؟

سَمِعَتْ مِنْهَا نَفْسَ الْجَوَابِ.

از او هم همان جواب را شنید (یا)

الْغَزَالَةُ شَاهَدَتْ هَدُودًا وَ سَالَتْهَا:

آهو هدهدی را دید و از او پرسید

«هَلْ خَلْفَ الْجِبَالِ عَالَمٌ غَيْرُ عَالَمِنَا؟»

آیا پشت کوه ها دنیای دیگری بغیر از دنیای ما است؟

أَجَابَ الْهَدُودُ: «نَعَمْ».

هدهد جواب داد: بله

فَصَعَدَتْ الْغَزَالَةُ الْجَبَلَ الْمُرْتَفِعَ وَ وَصَلَتْ فَوْقَهُ فَشَاهَدَتْ غَابَةً وَاسِعَةً، ثُمَّ

پس آهو از کوه های بلند بالا رفت و بالایش رسید پس دید جنگل پهناوری را. سپس

رَجَعَتْ وَ قَالَتْ لِأَبَاءِ الْغَزَلَانِ:

برگشت و به پدران آهو ها گفت:

«أَتَعْرِفُونَ أَنَّ خَلْفَ الْجِبَالِ عَالَمًا آخَرَ؟»

آیا میدانید که پشت کوه ها دنیای دیگری است؟

وَ قَالَتْ لِلْأُمّهَاتِ الْغَزَلَانِ:

و به مادران آهو ها گفت:

«أَتَعْرِفْنَ أَنَّ خَلْفَ الْجِبَالِ عَالَمًا آخَرَ؟»

آیا میدانید که پشت کوه ها دنیای دیگری است؟

فَقَالَ الْغَزَالُ الْأَوَّلُ بَعْضُ:

پس آهو اول با عصبانیت گفت:

كَيْفَ تَقُولِينَ هَذَا الْكَلَامَ؟!

چطور این سخن را می گویی؟

وَ قَالَ الْغَزَالُ الثَّانِي:

و آهو دوم گفت:

كَأَنَّكَ مَجْنُونَةٌ!

گویى تو دیوانه شدی

وَ قَالَ الْغَزَالُ الثَّالِثُ:

و آهو سوم گفت:

هِيَ تَكْذِبُ.

او دروغ می گوید

وَ قَالَتْ الْغَزَالَةُ الرَّابِعَةُ: أَنْتِ تَكْذِبِينَ.

و آهو چهارم گفت: تو دروغ می گویی

قَطَعَ رَئِيسُ الْغَزَلَانِ كَلَامَهُمْ وَ قَالَ:

رئیس آهو ها سخنان را قطع کرد و گفت:



«**هِيَ** صَادِقَةٌ. **هِيَ** لَا تَكْذِبُ؛ **عِنْدَمَا كُنْتُ** صَغِيرًا؛ **قَالَ** لِي **طَائِرٌ** عَاقِلٌ:
 او راستگو است (راست می گوید) دروغ نمیگوید. زمانی که کوچک بودم پرنده عاقلی به من گفت:
خَلْفَ الْجِبَالِ عَالَمٌ آخَرٌ وَ **قُلْتُ** ذَلِكَ لِرَبِّيسَتِي؛ لَكِنَّهُ مَا **قَبِلَ** كَلَامِي وَ **ضَحِكَ**.
 پشت کوه ها دنیای دیگری است و من آن را به رئیسمان گفتم، اما او سخنم را قبول نکرد و خندید
كَمَا تَعْرِفُونَ أَنَا أَطْلُبُ صَلاَحَكُم دَائِمًا؛ فَعَلَيْنَا بِالْمُهَاجَرَةِ.»
 همانطور که می دانید من همیشه صلاحتان را می خواهم. پس ما باید مهاجرت کنیم
صَعِدَ الْجَمِيعُ الْجَبَلَ وَ **وَجَدُوا** عَالَمًا جَدِيدًا وَ **فَرَحُوا** كَثِيرًا.
 همگی از کوه بالا رفتند و دنیای جدیدی را یافتند و بسیار خوشحال شدند

Arabi_eyvazi



در پاسخ به کلمه پرسشی «مَتَى: چه وقت» کلماتی می آیند که بر زمان دلالت دارند:
 امروز - دِیروز - فردا - صبح - عصر - شب - دو سال پیش - دو هفته بعد
 الْیَوْمَ - أَمْسَ - غَدَ - صَبَاحَ - عَصْرَ - مَسَاءَ - لَیْلَ - قَبْلَ سَنَتَیْنِ - بَعْدَ أُسْبُوعَیْنِ -
 در ماه گذشته - در ماه آینده
 فِي الشَّهْرِ الْمَاضِی - فِي الشَّهْرِ الْقَادِمِ ...

مثال:

مَتَى وَصَلْتُمْ إِلَى الْفُنْدُقِ؟ قَبْلَ یَوْمَیْنِ.
 چه وقت به هتل رسیدید؟ دو روز پیش

ترجمه کنید.

مَتَى نَصَرَ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصَرَ اللَّهِ قَرِيبٌ. الْبَقَرَةُ: ۲۱۴

یاری خدا. چه وقت است؟ بدانید که (همانا) یاری خدا نزدیک است.



در گروه های دو نفره مکالمه کنید.

فِي اللَّیْلِ در شب

قَبْلَ سَاعَتَیْنِ دو ساعت پیش

بَعْدَ سَاعَةٍ بعد یک ساعت

فِي الشَّهْرِ الْقَادِمِ در ماه آینده

۱. مَتَى تَكْتُبُ (تَكْتُبِينَ) وَاجِبَاتِكَ (وَاجِبَاتِكِ)?

چه وقت (کی) تکالیف را می نویسی؟

۲. مَتَى وَصَلْتَ (وَصَلْتِ) إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟

چه وقت رسیدی به مدرسه؟

۳. مَتَى تَخْرُجُ (تَخْرُجِينَ) مِنَ الْمَدْرَسَةِ؟

چه وقت خارج می شوی از مدرسه؟

۴. مَتَى تَرْجِعُ (تَرْجِعِينَ) إِلَى هُنَا؟

چه وقت به اینجا بر می گردی؟

در جمله زیر تصویر، فعل در ابتدای جمله به صورت مفرد به کار رفته، در حالی که انجام دهنده آن، اسم مثنی یا جمع است؛ در چنین جمله‌هایی فعل به صورت جمع ترجمه می‌شود؛ مثال:



تَعْمَلُ هَاتَانِ الْفَلَّاحَتَانِ فِي الْمَرْعَةِ.

این خانم‌های کشاورز در کشتزار کار می‌کنند.

جمله‌های زیر را با توجه به قاعده ذکر شده ترجمه کنید.

۱. **تَطْبُخُ** النِّسَاءُ طَعَامَ السَّفَرِ. زنان غذای سفر را می‌پزند.

۲. **رَجَعَتْ** أَخَوَاتِي مِنْ بَيْتِ جَدِّي. خواهرانم از خانه پدر بزرگم برگشتند.

۳. **يَخْرُجُ** اللَّاعِبَانِ مِنْ سَاحَةِ الْمُسَابَقَةِ. دو بازیکن از میدان مسابقه خارج میشوند.

۱ الْتَمَرِينُ الْأَوَّلُ:

با مراجعه به متن درس جمله‌های درست و نادرست را معلوم کنید.

درست نادرست



۱. الْغَزَالَةُ الصَّغِيرَةُ شَاهَدَتْ خَلْفَ الْجَبَلِ بُيُوتَ الْفَلَاحِينَ.
آهوی کوچک پشت کوه خانه‌های کشاورزان را دید



۲. قَبِلَ رَئِيسُ الْغَزَلَانِ كَلَامَ الْغَزَالَةِ الصَّغِيرَةِ.
رئیس آهوها سخن آهوی کوچک را قبول کرد



۳. الْغَزَالَةُ الصَّغِيرَةُ قَالَتْ: «عَلَيَّ بِالتَّفَكُّرِ».
آهوی کوچک گفت: من باید فکر کنم



۴. سَأَلَتِ الْغَزَالَةُ الْهُدْهُدَ أَوَّلَ مَرَّةٍ.
آهو بکر اول از هدهد پرسید



۵. كَانَ عَدَدُ الذَّنَابِ خَمْسَةً.
تعداد گرگها پنج تا بود

۲ الْتَمَرِينُ الثَّانِي:

بخوانید و ترجمه کنید.

۱. ﴿لَكُمْ فِيهَا فَوَاكِهُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ﴾ الْمُؤْمِنُونَ: ۱۹

در آن برای شما میوه‌های زیادی است و از آنها می‌خورید.

۲. ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا﴾ الْزُحُرْف: ۳

به درستی که ما قرآن را عربی قرار دادیم.

۳. ﴿وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾ الْكَهْف: ۴۹

و پروردگارت به کسی ظلم نمی‌کند

۴. ﴿... فَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ﴾ ق: ۲

پس کافران گفتند این چیز عجیبی است

۳ التَّمَرِينُ الثَّالِثُ:

جمله‌های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل مضارع خط بکشید.

مضارع دوم شخص مفرد مذکر مضارع منفی سوم شخص مفرد مونث

۱. أَنْتَ تَعْرِفُ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ جَيِّدًا وَ أُخْتُكَ لَا تَعْرِفُهَا مِثْلَكَ.

تو زبان عربی را بخوبی می‌دانی و خواهرت آن را مانند تو نمی‌داند

مضارع منفی دوم شخص مفرد مذکر

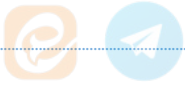
۲. زَمِيلُكَ لَيْسَ مَلَابِسَ خَرِيفِيَّةً؛ فَلِمَاذَا أَنْتَ لَا تَلْبَسُ؟

همکلاسیت لباسهای پاییزی پوشیده است پس برای چه تو نمی‌پوشی؟

Arabi_eyvazi

مضارع دوم شخص مفرد مونث

۳. أَنْتِ شَعَرْتَ بِالْحُزْنِ أَمْسٍ وَ تَشْعُرِينَ بِالْفَرَحِ الْيَوْمَ.



تو دیروز احساس ناراحتی کردی و امروز احساس خوشحالی می‌کنی

مضارع اول شخص مفرد (مستقبل) اول شخص مفرد

۴. أَنَا أَشْعُرُ بِالصَّدَاعِ؛ سَأَذْهَبُ إِلَى الْمُسْتَوْصَفِ.

من احساس سردرد می‌کنم. به درمانگاه خواهم رفت

۴ التَّمَرِينُ الرَّابِعُ:

ترجمه کنید.

صَحِکْتُ	خندیدم	أَضَحَكُ	می‌خندم
قَذَفْتُ	انداختی	تَقَذِفِينَ	می‌اندازی
تَقَطَّعُ	می‌برد	لَا تَقْطَعُ	نمی‌برد
تَلْبَسُونَ	می‌پوشید	لَيْسْتُمْ	پوشیدید
تَقْبَلَانِ	می‌پذیرید	لَا تَقْبَلَانِ	نمی‌پذیرید
تَنْصُرُ	یاری می‌کنی	لَا تَنْصُرُ	یاری نمی‌کنی
قَرَّبَ	نزدیک شد	يَقْرُبُ	نزدیک می‌شود
مَلَكَنا	فرمانروایی کردیم	نَمْلِكُ	فرمانروایی می‌کنیم
عَسَلْتَنَ	شستید	سَتَغْسِلَنَّ	خواهید شست
يَفْهَمُ	می‌فهمد	سَوْفَ يَفْهَمُ	خواهد فهمید

گَنْزُ الْحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید.

۱. إِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْخَطْبَ. رسول الله ﷺ.

قطعا حسادت خوبیها را میخورد (از بین میبرد) همانطور که آتش هیزم را میخورد.

۲. إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

قطعا نیازهای مردم به شما نعمتی از خداست.

۳. الْأَمَانَةُ تَجْلِبُ الرِّزْقَ وَالْخِيَانَةُ تَجْلِبُ الْفَقْرَ. رسول الله ﷺ

امانت روزی را می آورد و خیانت فقر را می آورد.

Arabi_evyazi

۴. إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ. رسول الله ﷺ

قطعا خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد.

۵. إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

از دست دادن فرصت موجب غم و اندوه است



تمرین برای خانه شماره هر جمله را زیر تصویرِ خودش بنویسید.



.....



.....



.....



.....



.....



.....



.....



.....



.....



.....



.....



.....

۱. یا وَلَدانِ، لِمَاذَا تَضَحَّكَانِ؟
ای دو پسر، چرا می خندید؟
۲. أَنْتُمْ تَهْجُمُونَ بِقُوَّةٍ.
شما با قدرت حمله می کنید
۳. یا حَدَّادانِ، مَاذَا تَطْرُقَانِ؟
ای دو آهنگر، چه چیزی را می گوید
۴. یا بَنَاتُ، مَاذَا تَسْمَعْنَ؟
ای دختران، چه چیزی گوش می دهید
۵. هَلِ السَّفِينَتَانِ سَتَغْرَقَانِ؟
آیا دو کشتی غرق خواهد شد؟
۶. أَنْتُمَا صَنَعْتُمَا الْفَرَسَ الْخَشَبِيَّ؟
آیا شما اسب چوبی ساختید؟
۷. أَرَأَيْتُنِ الدَّهَبَ وَالْفِصَّةَ؟
آیا طلا و نقره را دیدید؟
۸. مَتَى وَصَلْتُمْ إِلَى هُنَا؟
چه وقت اینجا رسیدید؟
۹. هَلِ أَنْتُنَّ شَرِبْتُنَّ الْقَهْوَةَ؟
آیا شما قهوه نوشیدید؟
۱۰. إِنَّكُمَا تَقْطَعَانِ الشَّجَرَةَ.
شما درخت را می برید
۱۱. لِمَاذَا تَجْمَعْنَ الْحَطَبَ؟
چرا هیزم جمع می کنید؟
۱۲. أَلَا تَعْرِفُونَ مَنْ هُوَ؟
آیا می شناسید او کیست؟